

یادداشت



مجیدجلالی

کارشناس فوتبال

حق فوتبال ما ناکامی نیست

اصل مشکل فوتبال ما به اساسنامه فدراسیون‌ها و افرادی برمی‌گردد که برای فوتبال تصمیم‌گیری می‌کنند. وقتی در نهادهای فنی فوتبال اغلب از کسانی استفاده می‌شود که شناختی از این رشته ندارند، طبیعی است که این مشکلات ریشه‌دارتر و عمیق‌تر شوند.

مشکلات فوتبال ایران آن‌قدر گسترده است که این مسیر، به شکلی نگران‌کننده به سمت یک شیب تند نزولی پیش می‌رود؛ آن‌هم در حالی که رقبای ما با سرعت در حال صعود هستند.

رفع این دغدغه‌ها و چالش‌ها صرفاً در اختیار فدراسیون نیست. ریشه اصلی، به نوع نگاه به فوتبال بازمی‌گردد؛ فوتبال در مقطع کنونی بیش از آنکه یک پدیده حرفه‌ای و توسعه‌محور باشد، به‌عنوان ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعضاً در مواردی، وسیله‌ای برای سرگرمی عمومی شناخته می‌شود. در حالی که پدیده فوتبال به مراتب فراتر از این مسائل است. در چنین شرایطی، هزینه‌کردن، تغییر مداوم مربیان یا ساخت زیرساخت‌ها، بدون توجه به مسئله اصلی، چه دستاوردی خواهد داشت؟

آیا امروز کسی به افکار عمومی پاسخ می‌دهد که چرا نزدیک به ۵۰ سال است به المپیک راه پیدا نکرده‌ایم؟ چرا درصد گلزنی در لیگ برتر کاهش یافته است؟ چرا از کمبود مربیان باکیفیت رنج می‌بریم؟ حتی سال‌هاست که در پرورش بازیکنان مستعد نیز موفق نبوده‌ایم. میانگین سنی تیم ملی آن‌قدر افزایش یافته که نگرانی‌ها درباره حضور در جام جهانی را دوچندان کرده است؛ نگرانی از مواجهه با بحرانی جدی که ممکن است همچنان ادامه‌دار باشد. بیش از ۳۰ سال است که ناکامی‌ها را با توجیهاتی چون داوری، عملکرد مربی یا حتی شرایط زمین مسابقه توجیه می‌کنیم.

وقتی از میان ۳۶ استان کشور، در ۲۳ استان رؤسای هیأت‌ها از افراد غیرفوتبالی انتخاب می‌شوند، چگونه می‌توان انتظار تغییر در نگرش و رویکرد را داشت؟ البته تقصیر متوجه آنها نیست، چراکه تخصص لازم در این حوزه را ندارند، به گونه‌ای که گاه وقتی یک فرد متخصص، مشکلات ساختاری فوتبال را مطرح می‌کند، این مسائل به‌عنوان موضوعاتی سطحی و صرفاً مرتبط با نتیجه مسابقات تلقی می‌شود.

کاش رسانه‌ها با برگزاری میزگردها و همایش‌های تخصصی، زمینه‌ای فراهم آورند تا کارشناسان به‌طور جدی درباره این مسائل گفت‌وگو کنند. فوتبال ما شایسته چنین سرنوشتی نیست.

یادداشت



بهنام ابوالقاسم‌پور

مدیرباشگاه فولاد خوزستان

فوتبال ایران کیفیت قبل را ندارد

درست است که تیم‌های فوتبال ایران کیفیت چندین سال قبل را ندارند و شرایط آنها هر روز هم بدتر می‌شود، اما نمی‌توان گفت به جمع تیم‌های درجه دوآسیا سقوط کرده‌اند. به هر حال در فوتبال ما نه از علی دایی خبری هست و نه کریم باقری. با تعطیلی کارخانه بازیکنان سازی تیم‌ها، آنها به نتیجه‌گرایی روی آورده‌اند. از طرف دیگر، اصلاً هیچ دغدغه‌ای برای احداث زیرساخت‌ها وجود ندارد و اگرهم زیرساختی قرار است احداث شود، مسئولیت آن به افرادی ناآشنا با حوزه ورزش سپرده می‌شود. نکته مهم اینکه توجه باشگاه‌ها به تیم‌های پایه بسیار ضعیف است. باشگاه‌ها تنها برای پر کردن بیلان کاری، تیم‌های پایه را حفظ کرده‌اند و این تیم‌ها به منبع درآمدی برای برخی مربیان تبدیل شده‌اند.

معمولاً دعوی باشگاه‌ها برای حضور در لیگ‌های آسیا، ریشه در مسائلی به‌جز پیشرفت فوتبال ایران دارد. بدون شک، عدم ثبات مدیریت، باشگاه‌ها را با چالش مواجه می‌کند، در صورتی که با ثبات مدیریتی و اجرای برنامه‌ها، زیرساخت‌های باشگاه‌ها نیز به سطح باشگاه‌های حرفه‌ای خواهد رسید.

باشگاه‌های ایران برای جبران عقب‌ماندگی در برنامه، نبود امکانات و زیرساخت حرفه‌ای، با بازیکنان خارجی قرارداد می‌بندند؛ اما حتی در این مرحله هم کار اصولی انجام نمی‌شود. آنها معمولاً هزینه‌های گزافی می‌پردازند، بدون آن‌که به کیفیت بازیکنان توجه کنند که این موضوع در اکثر موارد برایشان ددرسراز می‌شود.

بجای ریخت و پاش برای حضور در لیگ‌های آسیا که اغلب هم بدون نتیجه می‌ماند، شاید بهترین کار درشرایط فعلی سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌ها و تجهیز امکانات تیم‌ها باشد البته این کار دلسوز می‌خواهد تا علاوه بر در نظرگرفتن منافع ملی به پیشرفت فوتبال نیز کمک کند.

اما این روزها، در حالی که احداث زیرساخت‌های فوتبال چندان مهم تلقی نمی‌شود، نتیجه‌گرایی خوشحال کردن هواداران جای آن را گرفته است. با تعطیلی لیگ، باید تمام تمرکز برآمادگی بازیکنان برای تیم ملی باشد؛ بازیکنانی که بدون شک دچار اضافه‌وزن شده‌اند. شاید بهتر باشد برای تمرین بدون دردسر، اردوی تیم ملی در ترکیه برگزار شود تا تیم ملی به سرنوشت تراکتور دچار نشود.

مهری زنجبر / مجید نامجومطلق، مربی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»



سینا حسینی / حذف تراکتور از لیگ نخبگان آسیا را باید در امتداد یک الگوی تکرارشونده تحلیل کرد؛ الگویی که در آن، باشگاه‌های ایرانی با وجود برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه، در تبدیل این ظرفیت به «خروجی رقابتی پایدار» ناکام می‌مانند. شکست برابر شهاب الاهلی، همانند حذف‌های پیشین استقلال و سپاهان، بیش از آنکه یک اتفاق فنی در ۹۰ دقیقه باشد، محصول نارسایی‌های ساختاری در لایه‌های عمیق‌تر فوتبال باشگاهی ایران است.

از دیدگاه فنی مهم‌ترین ضعف نمایندگان ایران را می‌توان در سه محور کلیدی خلاصه کرد. کیفیت پایین چرخه تولید بازیکن، ناپایداری در مدل بازی و فاصله محسوس در مدیریت بار مسابقات. باشگاه‌های ایرانی عموماً فاقد یک «دی‌ان‌ای تاکتیکی» مشخص هستند؛ به‌عبارتی، تغییرات مکرر کادر فنی و فشار نتیجه‌گرایی کوتاه‌مدت باعث شده تیم‌ها فاقد هویت بازی قابل تکرار باشند. رقبای موفق آسیایی، با تثبیت فلسفه بازی و انتخاب مربی در راستای آن، به یک انسجام تاکتیکی دست یافته‌اند که در بزرگا‌ها تعیین‌کننده است.

در حوزه بدنسازی و مدیریت فیزیکی نیز شکاف قابل توجهی وجود دارد. تیم‌های ایرانی در فازهای پایانی مسابقات و بوژه در تقویم فشرده آسیایی، دچار افت عملکرد می‌شوند؛ نشانه‌ای از ضعف در دوره‌بندی تمرینات، پایش داده‌محور و استفاده از علوم ورزشی. این مسأله زمانی حادتر می‌شود که بدانیم تیم‌های رقیب با بهره‌گیری از تیم‌های آنالیز پیشرفته، داده‌های ردیابی و مدل‌های پیش‌بینی آسیب‌دیدگی، به‌صورت علمی باز تمرینی بازیکنان را مدیریت می‌کنند .

مهری زنجبر / مجید نامجومطلق، مربی فوتبال ایران، معتقد است درد این روزهای فوتبال ایران نبود امکانات و زیرساخت‌های حرفه‌ای است؛ دردی که باشگاه‌های ایرانی برای درمان آن تنها از «مسکنی» به نام پول استفاده می‌کنند؛ مسکنی که به باور او، هرگز نمی‌تواند عقب‌ماندگی زیرساختی فوتبال را جبران کند.

نامجومطلق در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «اکثون از فوتبال ایران بیش از هر چیز، تنها «استعداد» باقی‌مانده و حتی صرف بودجه‌های کلان برای جذب بازیکنان خارجی کم‌کیفیت و کم‌اثر نیز گره‌گشا نبوده است. افت فوتبال ایران به جایی رسیده که باشگاه‌هایی که روزگاری قهرمان آسیا بودند، حالا تنها رویای قهرمانی را در سر می‌پروراند.»

با حذف تراکتور به عنوان آخرین بازمانده فوتبال ایران، عملکرد باشگاه‌های ایران در لیگ‌های آسیا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ضرورت اصلاح ساختار باشگاه‌ها

یادداشت



ستارهمدانی

کارشناس مدیریت

ژاپنی‌ها تصمیم گرفته‌اند تا سال ۲۰۵۰ به مقام قهرمانی جام جهانی فوتبال دست یابند؛ در حالی که ما همچنان بدون تصمیم و برنامه‌ریزی بلندمدت، در جست‌وجوی موفقیت هستیم.

بی‌تردید، حضور فوتبال ایران در عرصه بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است و مستلزم نگاهی راهبردی و ویژه است؛ حضوری که در آن بتوان از کیان فوتبال ایران دفاع کرد، نه آن‌که تیم‌ها یکی پس از دیگری با ناکامی مواجه شوند.

توجه به زیرساخت‌ها، آکادمی‌ها و نظام پرورش استعداد، از مهم‌ترین ابزارهای یک مدیریت موفق به‌شمار می‌آید. با این حال، در شرایطی که ثبات مدیریتی وجود ندارد و بسیاری از مدیران صرفاً با اتکا به هزینه‌کرد باشگاه‌شان را اداره می‌کنند، بروز ناکامی‌های بی‌دردی باشگاه‌ها در رقابت‌های آسیایی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در بسیاری از باشگاه‌ها حتی از حضور یک وکیل



ایرانIran Newspaper

«ایران» ناکامی نمایندگان باشگاهی فوتبال در رقابت‌های آسیایی را بررسی می‌کند

خوشبختی تصادفی نیست

اما ریشه اصلی ناکامی‌ها را باید در سطح «حکمرانی باشگاهی» جست‌وجو کرد. باشگاه‌های ایرانی عموماً فاقد ساختارهای حرفه‌ای در حوزه‌های کلیدی مانند مدیر ورزشی، واحد تحلیل عملکرد و سیستم توسعه بازیکن هستند. تصمیم‌گیری‌ها بیشتر واکنشی و مبتنی بر فشارهای بیرونی است تا خروجی یک استراتژی بلندمدت. در چنین سیستمی، حتی اگر موفقیتی مقطعی نیز حاصل شود، قابلیت تکرار و تثبیت نخواهد داشت.

در مقابل، مسیرهای موفقیت در فوتبال آسیا کاملاً قابل شناسایی و حتی الگوبرداری هستند. اولین گام، تعریف یک مدل اقتصادی پایدار برای باشگاه است؛ مدلی که بر تنوع درآمدی (حق پخش، اسپانسرینگ، فروش بازیکن و تجارت‌سازی برند) استوار باشد و وابستگی به

منابع ناپایدار را کاهش دهد. بدون استقلال مالی نسبی، هیچ پروژه فنی بلندمدتی دوام نخواهد داشت.

گام دوم، ایجاد ساختار فنی یکپارچه است. باشگاه‌های موفق، با تعریف یک فلسفه بازی مشخص در تمام رده‌ها-از آکادمی تا تیم بزرگسالان- مسیر رشد بازیکنان را هموار می‌کنند. این یکپارچگی باعث می‌شود انتقال بازیکن از تیم‌های پایه به تیم اصلی بدون «شوک تاکتیکی» صورت گیرد و هزینه‌های نقل‌وانتقال نیز کاهش یابد.

سومین مسیر، سرما به‌گذاری هدفمند در زیرساخت و داده است. راه‌اندازی دپارتمان‌های آنالیز، استفاده از فناوری‌های ردیابی و به‌کارگیری متخصصان علوم ورزشی، دیگر یک مزیت رقابتی نیست، بلکه پیش‌نیاز حضور در سطح اول آسیاست. باشگاهی که فاقد داده و تحلیل

آسیا برای باشگاه‌های ایرانی به یک رویا تبدیل شده است. زمانی که در سنگاپور و قطر بازی می‌کردم، امکانات آنها از ایران بهتر بود. آن زمان ما ورزشگاه آزادی را داشتیم که آرزوی بسیاری از آسیایی‌ها بود، اما اکنون شرایط به گونه‌ای شده که ما حسرت امکانات آنها را می‌خوریم. زمانی با استقلال و پاس قهرمان آسیا شدیم، اما امروز قهرمانی در آسیا برای باشگاه‌های ایرانی به رویا بدل شده است. از سوی دیگر، هزینه‌ای که باشگاه‌های عربستانی برای جذب ستاره‌های خارجی پرداخت می‌کنند، به اندازه کل بودجه فوتبال ایران است و حضور این فوق‌ستاره‌ها سطح فوتبال آنها را به‌طور محسوسی ارتقا داده است. در چنین شرایطی، ادعای قهرمانی باشگاه‌های ایرانی در آسیا تقریباً محال است.

آیا قبول دارید تیم‌های باشگاهی ایران از نظر کیفی از رقبای آسیایی خود پایین‌تر هستند؟

تیم‌های غرب آسیا، بویژه باشگاه‌های عربستانی، با صرف هزینه‌های هنگفت، تیم‌هایی قدرتمند و باکیفیت ساخته‌اند. افرای نیست‌اگر بگویم کیفیت برخی از این تیم‌ها فراتر از سطح آسیاست. آنها برای پیشرفت هزینه می‌کنند، در حالی که در باشگاه‌های ایرانی چنین رویکردی کمتر دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد باشگاه‌های ایرانی تنها در هزینه‌کرد و قرارداد بازیکنان شبیه حرفه‌ای‌ها عمل می‌کنند. بدون اینکه زیرساخت حرفه‌ای داشته باشند.

باشگاه‌های ایرانی از نظر زیرساخت و امکانات، قابل مقایسه با تیم‌های حرفه‌ای آسیا و اروپا نیستند. چهار سال است که ورزشگاه آزادی در حال بازسازی است، اما با این روند طولانی می‌بینیم که هنوز به بهره‌برداری کامل نرسیده است. اگر ورزشگاه‌های قطر و امارات را ببینید، تفاوت‌ها کاملاً مشهود است؛ از کیفیت زمین‌های تمرینی و مسابقه گرفته تا امکانات ورزشگاهی. این مسائل هم ارتباطی به شرایط

چنگی ندارد؛ فوتبال ایران پیش از این هم با چنین مشکلاتی مواجه بود و فاصله ما با دیگر کشورها روزبه‌روز بیشتر شده است. باشگاه‌ها تلاش کرده‌اند نبود امکانات را با پول جبران کنند، اما این راهکار تنها مسکن است و مشکل را حل نمی‌کند. تا زمانی که زیرساخت‌ها و اصول حرفه‌ای گری اصلاح نشود، قراردادهای پرهزینه کمکی نخواهد کرد. شاید تعداد باشگاه‌هایی که از امکانات حرفه‌ای برخوردارند، به تعداد انگشتان یک دست هم نرسد.



باشگاه‌ها تلاش کرده‌اند نبود پول جبران کنند، اما این راهکار تنها مسکن است و مشکل را زمانی که زیرساخت‌ها و اصول حرفه‌ای گری اصلاح نشود، قراردادهای پرهزینه کمکی نخواهد کرد

حرکت بیرانوند یک انتقال فوتبالی است و در جریان بازی‌ها رخ می‌دهد. سردار با هوشیاری، از این موقعیت استفاده کرد و نیمه اول نمایش خوبی داشت، اما به‌تدریج از نظر بدنی افت کرد. اخراج بیرانوند نیز تأثیر زیادی در روند بازی گذاشت. به نظر من داوژاپنی در اعلام پالتی به سود شهاب الاهلی سخت‌گیرانه عمل کرد، هرچند مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری این صحنه نقش داشتند. از سوی دیگر، بازیکنان خارجی تراکتور در ایران با تیم‌تمرین نکرده بودند و ظاهرآ خارج از کشور به تیم ملحق شدند. اگر تراکتور در شرایط عادی بازی می‌کرد، می‌توانست به‌راحتی شهاب الاهلی را شکست دهد و حداقل در این مرحله حذف نشود. اما اتفاقاتی رخ داد که به این تیم لطمه زد.

با حذف تراکتور از لیگ نخبگان، آیا باید بپذیریم تیم‌های لیگ فوتبال ایران به تیم‌های درجه دو آسیا تبدیل شده است؟ در حال حاضر، تنها فاکتور برتری فوتبال ایران در آسیا، «استعداد» است؛ عاملی که تا امروز این فوتبال را سربا نگه داشته است. از نظر امکانات، فوتبال ایران حتی از باشگاه‌های درجه دو و سه آسیا نیز عقب‌تر است. با این شرایط، رسیدن به جمع تیم‌های درجه یک

دقیق باشد، در عمل و در تصمیم‌گیری‌های فنی با عدم قطعیت بالا عمل می‌کند. اصلاح نظام تصمیم‌گیری، پیش‌شرط همه تغییرات دیگر است. تا زمانی که مدیران باشگاه‌ها در معرض تغییرات سریع و تصمیمات کوتاه‌مدت باشند، هیچ پروژه‌ای به سرانجام نخواهد رسید. ثبات مدیریتی، پاسخ‌گویی و شفافیت مالی، سه ضلع حیاتی برای خروج از چرخه ناکامی هستند. ناکامی‌های متوالی باشگاه‌های ایرانی نه یک بحران لحظه‌ای، بلکه نتیجه یک «سیستم اشتباه در حوزه تصمیم‌گیری» است. عبور از این وضعیت، نیازمند تغییر در مدیریت سنتی، گذار از نتیجه‌گرایی به فرآیندمحوری و پذیرش این واقعیت است که موفقیت در فوتبال مدرن، محصول تصادف نیست، بلکه خروجی یک اکوسیستم حرفه‌ای، داده‌محور و پایدار است.

با وجود حذف زود هنگام تیم‌های ایرانی، چرا همچنان برای حضور در لیگ‌های آسیایی رقابت شدیدی وجود دارد؟

حضور در این رقابت‌ها برای باشگاه‌ها اعتبار به همراه دارد و فرصتی برای دیده شدن و ارزیابی سطح تیم است. هرچند بار مالی دارد، اما مزایای تبلیغاتی و اعتباری آن قابل توجه است. قرار نیست همه تیم‌ها قهرمان شوند؛ همان‌طور که در جام جهانی، همه تیم‌ها برای حضور تلاش می‌کنند، در حالی که تنها چند تیم به سکو می‌رسند.

آیا بهتر نیست باشگاه‌ها به جای هزینه‌های سنگین برای لیگ آسیا، روی زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کنند؟

حضور در لیگ آسیا مزایای مالی و اعتباری دارد و نمی‌توان به‌طور کامل از آن صرف‌نظر کرد. اما بهتر است به جای هزینه‌های گزاف برای جذب بازیکنان خارجی، این منابع صرف توسعه زیرساخت‌ها، ساخت ورزشگاه‌ها و بهبود زمین‌های تمرینی شود. این مشکل فقط مختص تیم‌های مدعی نیست و حتی تیم‌های سطح پایین‌تر نیز چنین هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند.

یافت فوتبال ایران، افزایش سهمیه در لیگ‌های آسیایی منطقی است؟

فوتبال ایران همچنان در آسیا یک برند محسوب می‌شود. صعود نسبی ملی به جام جهانی، هرچند با افزایش تعداد تیم‌ها به ۴۸ تیم، دیگر یک رویا نیست، اما موفقیت در آن اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اگر استعداد بازیکنان ایرانی با امکانات مناسب ترکیب شود، می‌توان به آینده امیدوار بود. در حال حاضر، مشکل اصلی فوتبال ایران کمبود امکانات و زیرساخت‌هاست.

برای خروج از این وضعیت چه باید کرد؟ باید نگرش ما به فوتبال تغییر کند. در ایران، فوتبال بیش از حد پرزرق و برق و نمایشی شده است. به‌عنوان مثال، باشگاه‌ها بازیکنان خارجی جذب می‌کنند، اما کیفیت این بازیکنان چندان مهم نیست. در مجموع، تعداد بازیکنان واقعاً تأثیرگذار در لیگ ایران بسیار محدود است، در حالی که در لیگ‌های خارجی، با وجود قراردادهای کمتر، کیفیت بازی‌ها بالاتر است. باشگاه‌های ایرانی تلاش می‌کنند با جذب بازیکنان خارجی، کمبود امکانات را جبران و ظاهری جذاب ایجاد کنند، اما در عمل این بازیکنان کمکی به پیشرفت فوتبال ایران نمی‌کنند.

مسعود اقبالی، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

فوتبال ما با جذب نیروهای متخصص بیگانه است

الاہلی امارات، لیگ قهرمانان اروپا را هم تماشا کردم. وقتی این دو را مقایسه کردم، به عمق مشکلات فوتبال ایران در ابعاد تکنیکی، مدیریتی و روحی-روانی پی بردم. برای مثال، در فوتبال حرفه‌ای و متعادل، بازیکنان در آغاز هر نیمه دست‌کم ۷ دقیقه با شدت و سرعت بالا بازی می‌کنند، اما بازیکنان ما حتی نتوانستند بیش از ۶ کیلومتر بدوند؛ ضعیفی که ناشی از ۲۰ روز تمرین نکردن، نبود کار گروهی و فقدان انسجام است. «اقبالی در ادامه می‌گوید: «وید به ریشه‌های ورزش بیشتر توجه کنیم. فوتبال ما آشفته است و رشته‌هایی مانند بسکتبال، دوومیدانی، شونا و... نیز حرفی برای گفتن نداریم. نه سرمایه‌گذاری مناسبی انجام شده، نه مدیران متخصص و نه مربیان کارگرفته در اختیار داریم. در حوزه اقتصاد هم وضعیت خوب نیست. حتی مربیانی که دوره‌های آموزشی بین‌المللی را گذرانده‌اند، در ۱۵ سال گذشته حتی یک کتاب هم به دست نگرفته‌اند. آکادمی‌هایی هم که تأسیس شده‌اند، عمدتاً با هدف درآمدزایی بوده و از حضور مربیان متخصص در آنها خبری نیست. جالب‌تر اینکه برخی مدیران، آکادمی‌های خود را هم‌تراز با آکادمی‌های بارسلونا و رئال می‌دانند. بله، ما آکادمی داریم، اما بدون پارامترهای لازم.

در مجموع باید گفت فوتبال ما با جذب نیروهای متخصص و ایجاد زیرساخت‌ها بیگانه است.»



است؛ رشته‌ای که در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فنی با مضمحل جدی مواجه نیست. در مقابل، فوتبال امروز ما اساساً قابل مقایسه با کشورهای دنیا نیست. برای جبران این عقب‌ماندگی باید به ریشه‌ها توجه کرد و یک استراتژی بلندمدت و به‌روز در نظر گرفت، اما سال‌هاست که شاهد ناکامی فوتبال ایران هستیم.» این کارشناس فوتبال با اشاره به حذف تیم‌های استقلال، سپاهان و تراکتور از لیگ آسیا توضیح می‌دهد: «همزمان با بازی تراکتور و شهاب